

انکار

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پشت و فارسی
نشر میشود

صاحب امتیاز و مدیر مسئول فیض محمد (انگلو) رینه
ادرس دفتر جریده . جاده میوند اپ ارتمان نمبر ۳ کابل
نمبرتلیفون ۱۲۱۹ ادرس تلگرافی (انگلو)

تا ۹ سپتامبر ۱۳۲۹

یکشنبه ۱۱ حمل ۱۳۳۰

سال اول

شماره دهم

مؤثرترین علاج م. پ. تیره کی

درد مندی که کند درد نهان بیثمر طبیب
درد اوی سبب قایل درمان نشود
ازینکه مادر بین یکدسته لایتنهای محتاجی گرفتاریم هم -
میدانند ولی چیزیکه اظهار ان ناگزیر است همانا تصنیف
این حوائج یا تمنیات است که اگر تمام مال یکدم وبدون
تفریق مهم واهم درجن و قطار شود بگمان من بیشتر باعث -
تردد و خسته گی ها میشود و اگر نیک نگریده شود
ههین درجنهای تمنیات است که تصمیم و اراده ما را -
متزلزل ساخته و فرصت نمی دهد تا یک تصمیم قطعی که
مؤثر و مثمر باشد اتخاذ کنیم اگرچه خواهشات متعدد -
است اما ایا بهتر نیست که تمام نویسنده گان و ارباب
دانش دورهم نشسته با توحید نظر نواقص عمومی را تحت
تحلیل و تصدیق گرفته در هر رشته بصورت مسلسل و متواتر
نشریات و نظریات خود را ادامه بدهند و حتی المقدور
نگذارند همینکه نظریه مفیدی روی صفحه برآمد
مثل گذشته بدوسیه های فراموشی حفظ شود و یا
بی اثر بماند اگر تفریقی بین خواهشات مهم واهم موجود باشد
و کارها عموماً بر اساس یک پروگرام در ساحه عمل قرار گیرد
اصلاً اینقدر نواقص و محل اعتراض باقی نمی ماند خود
پروگرام و احتیاج تشخیص داده شده در نوبت خود شر -
بدون این که روی لحاظ و نفوذ کسی را دیده باشد کاهل را
از کارکن تفریق کرده و بجای معرفی میکند طبعاً این
ارزوها وقتی بر آورده میشود که موافق اقتضای ملل دیموکرا
احزاب تشکیل و در پارلمان برای غور و مبارزه بر اجراءات -
و طرح پروگرامها عرض اندام کند اینک رول احزاب در تفسیر
سرنوشت ملل چه اثراتی دارد البته بهر یک از مطالبین
این نامه ملی واضح بوده و اگر تفصیلاتی در آن باره داده
میشود محصول حاصل است -

بنظر بنده در حال حاضر مهم ترین کاریکه باید دنبال شود
بقیه در صفحه (۳)

غ صافی

بیگار هست یا تیکه

بتاریخ ۲۸ دلو نویسنده برای واری بوظائف خویش به
تورخم رقتم در اثنای مرور از جاتی عده زیادی از مردم روی
سرك کار میکردند قلباً "سرور شدم و گفتم ستایش مر خدا را که
اکنون بیگار نیست و مردم اجرت و کار پیدا شده و باصطلاح هم
ثواب است هم خرما سرك آباد میشود و برای یکمده مردم از
انجا مزدوری و کار پیدا شد پس از فراغ وظیفه موقیمیکه باز -
بان جماعت کارگر برخورد کردم چند نفری از آنها کار واگذاشته
تسردم نزدیک آمده و متأسفانه بگمان و خیال اینکه هر کس
دریشی پوشید و کلاه کج نهاد صاحب قدرت و دادرسی
و عاطفه خواهد بود بحال خجالت زده و مظلومیکه خوی و
عادت شان گردیده یکی از بین شان بمن گفت که تمداد نفر
مادر اینجا خیلی زیاد و برای رها پش شب جز چند خیمه
فرو شده و چند اطاق محدودی دروازه دیگر ماوائی نیست
هوان نهایت خنک و لباس کافی هم نداریم اشاره بسموچها
و مغاره هائیکه نزدیک بود کرده گفت یک عده نفر ما در انجا
شب تیر میکنند و بنا بر صدمه هوا اندیوال های ما
بیمار گردیده بعد از زمانیکه فرضاً "داکتری می آید
دوانس می باشد اگر خدا کند که چاره ما بشود . من باین
بیانات اوتکان خوردم و حالت نخستین بشرکه در مغاره ها
و سموچها بسر میبرند بخاطر امده و پنداشتم که مادرین
قرن ۲۰ و عصر اتوم هنوز بحال انسان ابتدائی واولی زنده
مید مائیم بهر حال تاثیریکه از لباس و چهره و گونه های زرد
بی خون و حیات فلاکت بار و حیات شباروزی آنها بمن پش
شدن میتوانم بقلم ترسیم کنم . من از بعضی نفری شناسا
از جا رسیدم که این مردم اجوره کار و رضا کار نیستند ؟
گفتند نه اینها هجده روز میشود که برسم وندی آمده -
دوازده صد نفر از شنوار و دونیم صد نفر از مومند دره اند
روزانه ده افغانی قومی برای شان وعده کرده و اجرت
بقیه در صفحه (۲)

ما میخوایم

بهرک غنبتلی

احمد علی کهزاد

احتیاجات قوایم

روزی شنیدم یکی از هموطنان گرامی ما میگفت هر وقت این مملکت دارای قوانین شد کارها همه سر برآید خواهد شد. این نظریه بجای خود طبعاً مقول است ولی تنها بسا داشتن قوانین هر قدر متنوع و مفصل هم باشد در نهادهای اجتماعی ما دو انمیشود تا روح احترام - قوانین در همه جا تولید نشود هیچ کس انکار ندارد که با همین الان هم دارای بعضی قوانین هستیم شکایت از عدم قوانین چند دان در بین نیست ولی هیچ کس نیست که از عدم تطبیق صحیح قوانین نگرانی نداشته باشد تطبیق قوانین و احترام قوانین دو اصل اساسی انفاذ مواد قانونی است که هر وقت در جامعه بی عملی نشان آن دیده شد سادات افراد آن جامعه تامین خواهد گردید تطبیق قوانین بسته به جریان قوانین و احترام قوانین و وظیفه همه افراد مملکت است و هر وقت در تطبیق قوانین بی رقتی شود روح احترام قوانین هم متزلزل خواهد گردید - اعتراف باید کرد که در ما همه یک نوع طبع تمدن از قانون موجود است و این طبع تنها در ما بلکه فطرتاً در همه نوع بشر موجود است و از این منشی فطری بیشتر ما را سرکش بار آورده - است تا جائیکه خود سری حتی انجام گسیختگی راهم یک نوع آزادی تلقی کرده ایم حال آنکه معنی واقعی آزادی آزادی قانونی است که در غیران نظام اجتماعی دچار هرج و مرج خواهد شد.

شب را بیچاره ها گرسنه خوابیده و فردا ارد رسید و روزانه یک قسمت نفرشان تقریباً یکی دو میل از اینجاست دورتر کار میکنند و آب برای شان دریمه موثر فوائد عامه میسرانند بسا شده که یا موثر خراب یا در پیور مریض یا تبیل نداشته و بکار گران آب نرسیده آنها ناچار از آن فاصله دور برای آب اینجا آمده تا واپس بکار برمیگردند باز - تشنه میشوند این بود حقیقت حال آن کار گران که شخصاً مشاهده و شکوه و ناله شان را شنیده ام ولی حالا شنیده میشود که میگویند کارسرك مذکور به تیکه داده شده و تیکه دارها به تمهداتی حاضر شده اند و ن تفاوت را به قارئین نامه ملی انگار موكول میكنیم كه بكار است یا تیکه؟

ما میخوایم که نویسنده گان ما از افسانده گوئی اسلاف دست گرفته در اصلاح اوضاع فعلی باشند ما میخوایم که حصه - بزرگ بودجه دولتی ما بطور صحیح بتربیه مملین لائق و اخلاقی - و وسائل تدریسی و اداری و صحتی اطفال مصرف شود چه ما از همه اولتر مملکت صحیح احتیاج شدید داریم ما میخوایم که تیز رفتارهایک نظم ممنوع عوض آن فابریکات حربی و فابریکات صنعتی و زراعتی وارد گردد تا برای ما نان خشک و کفن تهیه کرده بتواند تجارت ما نیز برای اصلاح صنعت و زراعت مملکت عزیز خویش همدست شده زیاده تر چیزهای را که فضلا از خارج وارد میکنند در داخل تهیه کنند. ما میخوایم که هر کار به اهل کار سپرده شود ولو جزوی هم باشد زیرا شخصیکه در کار مهارت نداشته باشد (مثل هتل کابل که درین مدت کم چندین دفعه ایا و پیران شد) عوض فائده نقص میرساند. ما که بکار احتیاج شدید داریم و هم عده بزرگ جوانان ما بیکار است باید اداره کار و کارگر در فکر این ها باشد تا از یک طرف وضع عمومی اقتصاد مملکت بلند رود و از جانب دیگر بیکارهای ما از - بیکاری و دزدی و غیره جلوگیری شود.

ما میخوایم اگر کدام پهلان بزرگ زراعتی و یا اقتصادی و - صنعتی عملی میشود علاوه از آنکه مجلس شورای ملی و مجلس نمایان و مجلس عالی وزراء تصویب میکند نظریات اهل کار و نویسنده گان نیز توسط جرائد خواسته شود. ما میخوایم که اکثر صاحب بکدام شخصیکه جهت تفریح و یا تجارت غیر مشروع به بهانه مریضی بخارج میرود - نظریه تبدیل هوا بخارج و غیره برایش زده نویسد. زیرا که بانک با اثر همچو نظریات دالر میدهد. ما میخوایم که ملا صاحب در وقت خطابه علاوه از مزایای صدقه سر سایه و شکرانه و خیرات و ذکوة مزایای علم و معارف مزایای برادری مزایای اخلاقی و غیره و غیره هم بیان فرمایند.

بقیه بیکار است
چند روزه را برای شان داده تا اینوقت از طرف فوائد عامه بجز ارد خشک دیگر چیزی داده نشده چنانچه روزی موثر حامل ارد شان در راه خراب شده و بوقت نرسیده بود آن

۲۰۰ ش

ریاست کارته

استاد پول کارونه دتظاهر او نماینده دپردی نه اخوانه هنج
حقیقت نه لری ۰۰۰ ته دملت داساسی ارتقاء اوسعادت
سره هنج علاقه نه لری اوفقط هغه کارونه دپرزورسرت
رسوی چه هرخوک نی وگوری اودهری خولې نه پسرې شایسی
راووزی ۰۰۰۰۰

هغه کسان چه دخلکویه اورپیرونو سپرپوی دهغو -
انتخاب غلط دی او بیاد هغو خیانتونو سترگی پتول لاید
کاردی ته په عمومی اوخصوص مجالسوکي دعلم اورنیسا
دخپ روئکواودتدویر دطرفدارانوسره دومره بڼه وضعت -
کوی چه هغه صرف په دې وضعه بالکل ستادخوانه
خاطرجمعه کپری ۰۰۰ مگر په پسته کی دهغودامحاء -
دپساره داسی تدابیر عملی کوی چه هغه فقط دجانیانسو
اومجرمانو پوری مخصوص وی ۰۰۰ داخکه چه علم اوعرفان
رنا اوتنویر ستاپه عقیده کپیره گداه ده ۰۰۰۰۰۰

دقام اووطن خادمان اوهغه کسان چه ستا دغلط عظمت
او جبروت دپساره دمرصلح حیثیت لری دمشرق نه په مغرب
ولی اوکوشر کوی چه په هرگزت کی دارتقاء دپوی پوی او
دارتجاع بنیاد پیننگ کپری په یو لوی او عمومی ممبر پول
اینبودل درته گران ښکاری او یو موهومی عبارت خوړول
درته آسان ۰۰۰ داخکه چه هغه خدمت دی او دا

خیانت ۰۰۰۰ هغی ته ضرورت دی او دا داحتیاج نه بهر
هغه مصرف دی اودا اسراف ۰۰۰۰ هغه واجب دی او
دانساروا ۰۰۰۰ هغه داسلام امری او داتی نهی ۰۰۰
هغه اجتماعی خدمت دی اوداستا دشخصی شهرت وسیله
هغه دخلقو په گڼه تمامپری اوداتی په ضرر ۰۰۰

ته که څه هم په خوله داتفاق نارې وهې مگر عمل دی فقط
اوفقط دتفاق او خانجانی د تولیدولو دپساره کار کوی او
دخپل شخصی مفاد اوغرض دپساره په خلکوکی دگوندی او
تربگنی دپسیداکولو دپساره دپیر کوشر کوی

گوره ۰۰۰۰۰۰ پس دی مه کوه ستاسره دانه جوړپوی
ته آخر ددې وطن سړی نی اوددې نه چه سبادی ناقوم
لاس په گریوان کی اجوی داسه ده چه نن ددې بدیوته -
لاس واخلی

مقاصد به رئیس انحصارات دولتی

چندروز قبل خواستم پریاست انحصارات دولتی رفته و
زاجع به چگونگی این مؤسسه جدید تشکیل بعضی -
معلومات بدست آورده و جهت با خبری عامه نشر نمایم
چون مؤسسه متذکره نو بکار شروع کرده مراجعین آن -
(مانند مراجعین اداره جریده ملی انگلر) باید برای
یافتن اداره مطلوبه قندی زحمت ببینند

بنام مصمم شدم که اولاً بشرکت سابقه قندسازی رفته تا
از انجا فعالیت گاه اداری آن مؤسسه را سیراغ نمایم
وارد اطاق ریاست شرکت قندسازی شدم خوشبختانه

شاغلی عسده الی یفتلی رئیس انحصارات دولتی نیز در -
انجا بود بعد از تعارف با حاضرین شاغلی یفتلی را سخا
ساخته گفتم : من بنزد شما می امدم تا در اطراف تشکیل
واجرات مؤسسه انحصارات دولتی معلومات گرفته جهت
اگاهی عامه نشر کنم . گفت : بسیار خوب حاضر معلوما
مفصل در اطراف موضوع بشما بد هم خوب است آقای صافی
هم در جوابات با من کهمک خواهد کرد . گفتم : سوالات
من بتصمیمات و اجرات مؤسسه جدید تشکیل که شما
سمت ریاست اترا دارید به مربوط است نه به اجرات -
گذشته مؤسسه لغوه شده شرکت قندسازی . گفت :
بلازم خوب است با شاغلی صافی مشوره خواهیم نمود -
راستی بیاد امد خوب شد لپیریده ؟ وطن بعضی نکات
زاجع به اینمؤسسه بود که ما جواب اترا نوشته کرده
بشما میفرستیم انرا درج نمائید (باقی در اتی)

بقیه موثرترین علاج
همانا ازادی تشکیل احزاب سیاسی ودر آوردن کارها تحت
یک پروگرام منظم و سنجیده است وبعقیده من همین است
یکی از موثرترین علاج برای سائر دردهای اجتماعی ما و تا
وقتیکه برای مشی دولت یک پروگرام طرح نشود وهم حزب -
مخالفی برای غور و تعقیب وپ رسان نتایج کار درپ ارلمان
مملکت بوجود نیاید هرچه گفته شده یاگفته شود چزنقش
براب بیشتر نیست . این هم قابل تذکراست چون سیر زمانه
سریع است هر قدریکه در بر آوردن این مامول تاخیر میشود
بهمان اندازه بلکه چندین برابرنقص آن بیشتر تصور میگردد
درخاتمه خواهش نویسنده گان محترم را که در اولین -
شماره ملی انگلر با استفاده از فرصت تشکیل حزب
سیاسی را در داخل چوکات شاهی مشروطه تمنا کرده اثنائید میکنم

امدگب * والله اعلم بالصواب (چکوره)

چون درین هفته نامه انگارها بدوماهی میگذارد برای
تطمین ذوق خواننده گان گرامی لازم دیده شد تا بعد از
این به استقبال هرماهگه این جویده جسته جسته بعضی
خبرها را از خلال وقایع روز باستحضارشان برسانیم *

ایندک به اجازة پیرواستاد شروع میکنیم *
اخبارورزشی * تیم فت بال ما بعد از آنکه درمقابل

هندوستان باختگی محسوب شد درنتین یک مقاله بصورت
ضمنی و بدون قید تا صاف خبر آن را رسانیدم * متماقبا
به گیزجایبانیها افتاد و دوگول دیگر خورد و از آنجا که سیستم

اختراعی (سر و گوم) ریاست المپیک مضایر قوانین
بین المللی ثابت شد و از آن مسابقه تشکیل جلسه دادند

و موضوع را تحت مناقش گرفتند * ولی خدای را شکر که مسئله
حمل بر بیماری گی امور ورزشی باشد و به خیریت گذشت *

دسته نیکه بنام خیزیک لنگه و جفتک پاران و گلوله افگسی
و . . . و . . . رفته بودند نیزکاری از پیش نبردند *

نتیجه ایندک برای یک بازهم پرچم ما نمایان نشد
و مارش ملی ما ننواختند و حتی یک نشان لته می راهم

کسی حائز نشد * و بالاخره کاروان محترم خپ و چپ باز
گشت نمودند و تامن و رجب خان رفتیم که به استقبال شان

دستمالک بزنیم همه در زیر صندلیها جا بجا شده بودند *
محافل غیرمطلع اسباب این شکست های ناحق را چند چیز

چوت اند از میکندند * اول بیخوابیهای ممتد دو ماهه که
ممکن از باعث تغیراب و هوا برفیکاران عاید شده بود و

مجبوراً تمامی شبها را بیدار سحر مینمودند * دوم سیستم
بازی اورپائی یعنی سیستم ما که از غرب اقتباس شده بود

به احوال ممالک آسیائی جور نمی آمد * سوم ظهور خستگی
و مستلم میوه پولی و جیب خرج را مزید بر علت قیاس میکنند

و نیز راجع به پروگرام (درپه برامون ایش) که از روی ریکارد
یک چیز شبیه به اهنگ (ائید و گرد هم شوید)

ای طفلگان بی گناه (. . .) شنیده میشود محافل
متذکره جامه شعرا را مورد ملامت قرار میدهند که چرا

هر قدر خود را پچق میکنند نشیده شان نمی آید و میگذازند
که جوانان ملادر بحبوحه غرور جوانی چنین آوازه

ممصوماته بکشند *

اخبار سرچوک * میگویند گریه رجب خان میرفت که از گرسنگی

مییزد تا چاردم اورا قیچی کرد و به نزدش انداخت و گفت -
پرواند آرد چندی بعد دوباره سوز میکند چون آوازه -
است که معاشات اضافه میشود ما مورین مستمند و بیچاره
از حال حساب کردید راه امید فردا باز نموده اند و به
گرفتن قرضی و پیشکی پرداخته اند که تا ختم سال به
اقساط ممینه او انسها را تادیه و توازن را برقرار نمایند *

چند خبر دیگر * درین ماه یک معلم از فرط استیصال -

میخواست خود را انتحار کند ولی از بدشانسی در حین
کار پسایش رخسید و مردم رسیده به دلا سا پرداختند
ولی او گریه میکرد و میگفت خما بادام دیر خوشردی

راتکه

خنکه چه مو خبر اخیستی دی شاغلی صدیق اله رستین -
نموز وینس ملگری چه دهلی ته دال اندیا پستون -
جرگی دگدون دپاره تلی وو حمل پیه ۹ برد رو بچو د
هرات له لاری کابل ته راغلی دی -

توضیح

در شماره ۹ نهم جریده ملی از کار مقاله نیکه راجع به
توزیع اراضی صفحات شمال نشر گردیده بود نویسنده آن
شاغلی محمد حسن (ملک اضفری) بوده است *
از اینکه نام نویسنده در ^{شماره} مذکور سهواً نشر
نگریده بود معذرت میخواهیم *

شرحی اشتراک

کابل	:	سالانه	۳۶	-	افغانی
ولایت	:	"	۴۰	-	"
خارج	:	"	۴	-	دالر
قیمت یک شماره	:	پنجاه			پول
=====					
=====					
=====					
=====					

مطبوعه * کستتر شخصی انگار کابل